**واحد سنگین شهادت امام موسی کاظم-94**

**با نوای : حاج سید مهدی میرداماد**

چقدر سخته که بیفتی    رو پهلوت پا بذارن

یه باغ پر از کبودی   روی بالت بکارن

خدای من خلاصم کن نمی شنون صدامُ

دم افطار یه آبی نیس که تر کنم لبامُ

غل و زنجیر چه سنگینه شکسته ساق پامُ

حال من بده منُ ببر    مونس منه چشای تر

مرهمی بذار رو این جیگر    مردم از درد پا و کمر

وای امون ای دل امون ای دل امون ای دل

غروبا تو این سیاهچال   دل آدم می گیره

نماز مغرب که میشه    پاهام ماتم می گیره

در و دیوار زندون       با گریه ام دم می گیره

پریشونم روی شونم جای رد زنجیرا مونده

دم آخر همش میگم رضای من پس کجا مونده

یه چند وقته که رو پهلو جای رد چند تا پا مونده

بی هوا زدن با پا زدن    هی منُ دور از چشا زدن

بیشتر از روزا شبا زدن     پا شدم از جا اما زدن

وای امون ای دل امون ای دل امون ای دل

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

توی زندون نیمه شب ها    روی خاکا می شینم

چشامُ تا که می بندم      همش روضه می بینم

می بینم که روی نیزه یه سر قرآن می خونه

می بینم که یه دختر رو زدن با تازیونه

بمیرم که سه سالشه ولی قامت کمونه

شیرخواره رو نی جلو رباب    غنچه رو دیدم شده گلاب

عمه رو زدن واسه ثواب